

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره سوم-پائیز ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۵

## غنی کشمیری و سبک هندی

(ص ۱۷۶-۱۶۱)

عباسعلی وفایی<sup>۱</sup>، آسیه سورتیجی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱/۳۱

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۵

### چکیده

تقریباً از اواخر عهد تیموری دیدگاهها و نگرشهای خاص همراه با خصایص و بسامدی از کاربردهای بیانی و زبانی به نام سبک هندی به شعر فارسی راه یافت و به مرور از رواج و روایی چشمگیری برخوردار گشت.

ملا محمد طاهر متخلص به «غنی» معروفترین و بزرگترین شاعر پارسیگوی کشمیر است که در قرن یازدهم هجری میزیسته. شهرت شاعری او در حین حیات شبه قاره پاکستان و هند و حتی ایران را فرا گرفته بود. طرز تفکر و اندیشه هندیانه در شعر او متجلی است. در این پژوهش، کوشیدیم تا با مشاهده و خوانش دقیق نسخ موجود از متن دیوان غنی کشمیری- ضمن ارائه نسخه‌ای نو از این اثر ارزشمند فارسی در قالب رساله دکتری - به بیان اتم خصایص سبک هندی در دیوان اشعارش بپردازیم. برخی از برجسته‌ترین آنها که به وفور در دیوان گردآوری شده وی مشهود است از این قرارند:

بکارگیری واژگان، تعبیرات و مصطلحات عامه، بی‌توجه بودن به متانت و صحت زبان، آوردن ترکیبات غریب و نامانوس، اظهار شکست و نامرادی و یاس، توجه به معنی و مضمون و رها کردن زبان، رواج حکمت عامیانه و توجه به خرافات و فرهنگ عامه، وقوع و واسوخت، مضمونسازی و توجه به مضامین غریب و جستجوی معانی بیگانه (از طریق تشخیص حس‌آمیزی، متناقض‌نمایی و...)

**واژگان کلیدی:** سبک هندی، غنی، نسخه خطی، مضمون‌سازی، اسلوب معادله، واقعه گویی، ترکیبات غریب

<sup>۱</sup> استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی A.surtiji@yahoo.com

## مقدمه

سبک هندی اصطلاحی است برای یک نوع شعر فارسی که در قرنهای دهم و یازدهم هجری متداول و رایج شد - مقابل شیوه خراسانی یا سبک عراقی و شیرازی - بعضی مخصوصاً آقای امیری فیروزکوهی با این اصطلاح موافق نیستند و برآنند که آن را سبک دوران صفوی نام نهند . تغییر اصطلاحی که زباند عموم اهل ادب شده است چندان ضرورتی ندارد و حتی بحث در آن زاید و بیهوده است . شاید هم این اصطلاح از این ناشی شده است که غالب شعرای فارسیگوی هندوستان یا شاعران ایرانی به هندوستان رفته بدین شیوه سخن گفته‌اند که نمونه کامل این سبک صائب و بیدل هستند .

بدیهی است وجه مشترکی میان گویندگان این سبک وجود دارد . اما بیان وجه اشتراک بطوریکه جامع و مانع باشد قدری دشوار مینماید و مخصوصاً اگر به شیوه سبک‌شناسان بخواهند وارد تکنیک قضیه شده و بطور دقیق مشخصات فنی آن را بیان کنند ملال انگیز و برای خوانندگان خسته کننده میشود . (نگاهی به صائب: ۵۲-۵۱)

پروفسور ادوارد براون در تصنیف خود موسوم به تاریخ ادبی فارسی جلد چهارم یاد آور شده است که میان شعرای فارسی زبان هند فقط دو شاعر مستند هستند : یکی امیر خسرو و دیگری غنی کشمیری .

مآم محمدطاهر متخلص به «غنی» معروفترین و بزرگترین شاعر پارسیگوی کشمیر است که در قرن یازدهم هجری میزیسته است.<sup>۱</sup>

در باب جایگاه علمی و ادبی غنی، همین بس که شاگرد فیلسوف و حکیم بزرگی همچون ملا محسن فانی است. مضامین حکمی و فلسفی موجود در شعر او، از چنان غنایی برخوردار است که خواننده را به تأیید درک و دانش متعالی شاعر خواننده وا میدارد.

«آنچه محقق است این است که وی در جمیع علوم متداوله، سرآمد روزگار شمرده میشود. « (نشریه ادبیات و زبانها: شماره ۱۱۸) مؤلف تذکره حسینی، از تحفه هند نامیده شدن شعر غنی سخن میگوید : «...وقتی کسی از هند وارد ایران میشد، صائب از او سوال میکرد که از تحفه شعر غنی با خود چه آورده است..» (همان)

ظفرخان مینویسد: غنی «قبل از ۱۰۴۲ هجری، شاعری معروف بود و در محافل ادبی و شعری، مقام بلند داشت. «(نشریه ادبیات و زبانها؛ شماره ۴۳)

او که فطرتاً از استعداد شاعری بالایی برخوردار بود بطرز هندی شعر میسرود ؛ شعر او آن-چنان که خود وی میگوید: سهل و ممتنع است. با این همه، گاه دچار پیچیدگی‌هایی میشود که

<sup>۱</sup> بدیهی است این اظهار نظر مولفان محترم مقاله است و لزوماً بمعنای پذیرش آن از سوی فصلنامه نمیباشد. (سردبیر)

فهم آن بر خوانندگان عادی دشوار است. غنی به مشرب فقر و عرفان گرایش داشت و زندگی را در انزوا و گوشه نشینی گذراند او شاعری مفلوک الحال ولی بسیار خوددار و بینباز بود با وجود فلاکت و مستمندی هرگز دست سؤال به پیش امرا و سلاطین دراز نمی‌کرد و هنر والای شعر را وسیله‌ای برای امرار معاش قرار نمیداد. استغنا و وارسته مزاجی او در نپذیرفتن صله، به عزت و احترام او نزد شاهنشاه وقت، اورنگ زیب، افزود.

جمع فرهیختگان و ناقدان ادب و فرهنگ فارسی غنی را در شمار شاعران با ذوق و قریحه‌ای عالی در شعرگویی به حساب می‌آورند و او را شاعری معتبر و مستند میدانند. بسیاری از استادان شعر فارسی مصراعهای او را تضمین کرده‌اند. او طرز و آهنگ خاصی به سبک هندی داد. تورتق کردن دیوانش نوآوری‌های بسیار او را در بیان معنی و آراستگی صورت شعر، شگرد کم نظیر او را در القای معانی اخلاقی، رموز تصوف و اندیشه‌های عرفانی و فلسفی آشکار می‌سازد و بیش از پیش او را شایسته تحسین مینماید.

در باب تدوین و گردآوری دیوان شعرش، بنا به تحقیق، نخستین بار محمدعلی‌ماهر اکبرآبادی دیوانی از وی ترتیب داده است که البته این تألیف موجود نیست. نسخ موجود، همه بر اساس نسخه‌ای که توسط محمدمسلم صنعی با همکاری لاله‌ملک شهید فراهم آمده، استنساخ شده است. «به قول بعضی از تذکره‌نویسان، نام‌برده بالغ بر یک‌صد هزار بیت سروده ولی دیوان منتخب چاپی او که به دست ما رسیده، بیش از چند هزار بیت ندارد.» (نشریه ادبیات و زبانها؛ شماره ۱۸۵) در شرح احوال و آثار شاعر شیرین سخن کشمیر، جز مقالاتی کوتاه که چندان مستند نیستند، اثری علمی که بتواند غنی را بدرستی به فارسی زبانان معرفی نماید، به زیور طبع آراسته نشده است. کتابی به نام دیوان غنی کشمیری در بازار کتاب موجود است که چندان مستند و علمی نیست، چه، مصحح، بدون استناد به نسخ متعدد، و یا دست کم، معرفی آنها و نشان دادن موارد اختلاف، صرفاً بر اساس ذوق خویش، کتابی را روانه بازار کرده است.

مغفول ماندن دیوان اشعار این شاعر ایرانی الاصل انگیزه‌ای شد تا ما با استفاده از پنج نسخه موجود و بررسی دقیق و خوانش مکرر این نسخ به تصحیحی مستند و مستدل، محشی به تحشیه و همراه با شرح مشکلات بپردازیم. نسخ مذکور عبارتند از:

۱. نسخه نستعلیق و تحشیه‌نویسی شده کتابخانه ملی به شماره بازیابی: ۵-۷۴۱۰ (نسخه اساس)

۲. نسخه دانشگاه تهران، بدون شماره بازیابی

۳. نسخه دیگری از کتابخانه ملی است، به شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۹۱ف

۴. نسخه دیگری از دانشگاه تهران به شماره بازیابی: ۵-۲۷۵۷۲

۵. نسخه مرکز احیاء میراث اسلامی، بدون شماره بازیابی

نسخه اساس (نسخه کتابخانه‌مآلی)، و دو نسخه دیگر، به لحاظ تقدیم و تأخیر اشعار و نیز ترتیب ابیات در هر شعر، مشابه هم هستند. دو نسخه دیگر نیز بر همین اساس، به هم تشابه دارند. در میان نسخ سه گانه، یکی از نسخه‌ها، پر از اغلاط نگارشی است که مشخصاً از کم دقتی کاتب رخ داده است. در این نسخه، واو عطف، بندرت بصورت مستقل نوشته میشود. مثلاً واو عطف در میان دو واژه «سر» و «کار»، نوشته نمیشود و به صورت «سرکارش» ضبط میشود. در ضبط نسخه اساس، بعضی کلمات نظیر راه نما، به صورت منفک از هم نوشته میشوند ولی کلماتی نظیر بیهوشی به هم چسبیده نوشته میشود. در باب کل دیوان، نکته قابل تأمل اینکه غنی در بعضی از حروف الفبا، نظیر ردیفهای عین و غین، فا و قاف، کم سخن بوده. ردیف فا تنها یک غزل دارد. ردیف غین و ردیف واو تنها چهار بیت دارد. تصحیح دیوان، با توجه به مشکلاتی که در خوانش متن نسخ وجود داشت، و نیز اشتباهات فراوان کاتبان برخی از نسخ، سخت بود و گاه طاقت فرسا. از سویی، مشکل دیگری که در این پژوهش با آن مواجه بودیم، کمبود اطلاعات راجع به غنی بود. کوشش بر این است که در این پژوهش با بررسی اجمالی سبک هندی، اعم خصایص و وجوه مشترک این شیوه در شعر طاهر غنی نمایانده شود؛ امید که مقبول افتد.

### ویژگیهای زبانی

#### ۱. بکارگیری واژگان، تعبیرات و مصطلحات عامه

بسامد بالای عناصر محاوره‌ای و حضور اصطلاحات روزمره در شعر یکی از ویژگیهای سبک هندی است علی‌الخصوص تصویرسازی و مضمون پردازی با اشیاء و لوازمی خاص از قبیل عینک، ساعت، مسواک، شانه، قبله نما و... که بعضاً سوغات فرنگیان بوده و در آن دوره برای ایرانیان و هندیان - مستمره انگلیسیها بودند - تازگی داشته در شعر شاعران عموماً و در شعر غنی خصوصاً از بسامد بالایی برخوردار است.

در پیری انتخاب کتب نیست باب چشم	عینک بود کنون ورق انتخاب من (دیوان غنی، ۱۳۹)
تکمه نبود که سر از جیب برون آورد	جامهات گوی زپیراهن یوسف برده (همان: ۱۶۰)
اعتبار پست فطرت یک دو ساعت بیش نیست	گردد آخر ته‌نشین دردی که شد بالانشین (همان: ۱۴۷)
بود کلید در رزق پارسا مسواک	کجا زدست دهد هم چو آسیا مسواک (همان: ۱۲۶)
سنبل زلف تو آخر پنجه از شمشاد برد	شانه میگوید به گوشم این سخن با صد زبان (همان: ۱۴۸)

گرد خود گرد غنی چند کنی طوف حرف رهبری نیست در این راه به از قبله‌نما  
(همان: ۱۸)

۲. آوردن ترکیبات غریب و نامأنوس

یکی از ترکیبات غریب و نامأنوس از دوره‌های قبل از عصر صفوی قراین و شواهدی برای آن ذکر نشده است ترکیب «به رنگ» است که در جایگاه ادات تشبیه به معنی مانند به کرات بکار می‌رود.

این ادات خاص تشبیه بیانگر تشابه شکل، حرکت، اندازه و هر نوع شباهتی دیگر غیر از یکسانی و مقایسه دو چیز به اعتبار رنگ است. استعمال از این ادات تشبیه که در شعر تمام شاعران سبک هندی رواج دارد ما گاه در شعر غنی نیز نمود چشمگیری دارد:

تا غنی کرد اجتناب از می‌پرستان بیخودی گشت عقل ما به رنگ نشئه پنهان در شراب  
(دیوان غنی: ۳۵)

گل به رنگ شعله خس از چمن پرواز کرد گرم تا در آشیان گردید جای عندلیب  
(همان: ۳۶)

همچنین دیوان غنی سرشار است از ترکیبات وصفی و اضافی خاص از قبیل رشته گلدسته، شیشه ساعت، پنبه مینا، شعله آواز، حنای بسته و... که موجبات تصویرآفرینی و ایجاز را در شعر او فراهم مینماید؛ از جهتی میتواند یکی از مهمترین عوامل غموض در شعر او باشد و از دیگر سو بیانگر قدرت و استعداد وافر او در ترکیب سازی است.

محتاج دانه نیست پی صید بلبلان صیاد ما ز رشته گلدسته دام کرد  
(همان: ۷۸)

آتش می تیز سازد شعله آواز را بر کدوی باده باید بست تار ساز را  
(همان: ۲۸)

پنبه مینای می را مرهم کافور گیر مهره مار آرزو داری ز تاک انگور گیر  
(همان: ۷۸)

در مکرر بستن مضمون رنگین لطف نیست کم دهد رنگ او کسی بندد حنای بسته را  
(همان: ۸)

## ویژگیهای فکری

۱. اظهار شکست و نامرادی و یاس

شعر قریب به اتفاق شاعران سبک هندی مملو از یاس و نومیدی است و از این نظر شباهت زیادی به شعر رمانتیکهای اروپا دارد. شعر رمانتیکها نیز پر از یاس، شکست، ناکامی و رنج بود و علت این شباهت، شباهت زندگی این دو گروه از شاعران جهان است؛ شاعران سبک هندی و

رمانتیکها، هر دو زاییدهٔ نخستین مرحلهٔ شهرنشینی جامعهٔ بازرگانی و متمرکز بودند و به همین سبب هر دو گرایشهای فردگرایانه داشتند (گردباد شور جنون شمس لنگرودی؛ ۷۳)

گرچه برای اظهار نامرادی و یأس در تمام دیوانهای شعری نمونه‌ای میتوان یافت اما این اظهار یأس و ناامیدی در دیوان شاعران سبک هندی یک ویژگی سبکی بشمار میرود که بسامد بالایی دارد و دیوان غنی کشمیری نیز از این معنی قابل توجه است. چنانکه در ابیات زیر میتواند دید.

در بیان فقر و نداری:

بر روی زمین هیچ‌کس آسوده نباشد	گنجی بود آرام که در زیر زمین است (دیوان غنی؛ ۴۲)
سخت دلبستگی داشت به بالم صیاد	تا نشد بالش او پر زپر، خواب نکرد (همان: ۱۰۸)
مرا چون آسیا خوش دستگاهی در تهیدستیت	که روزی آورد در خانه من میهمان از خود (همان: ۸۶)
گر بام و درش هست یکی کی روم از جا	ویرانه من هم چه کم از خانه زین است (همان: ۴۲)
مرا به خانه سفالی ز بینوایی نیست	خوشم که در کف من کاسه گدایی نیست (همان: ۵۸)
در بیان شکوه از بخت:	بود در جنبش گهواره راحت طفل بدخو را (همان: ۲)
فلک در گردش است از بهر خواب بخت ناسازم	
نی چشم مست او به شکر خواب رفته است	بخت سیاه ماست که در خواب رفته است (همان: ۴۶)
بخت شورم شده از بس که گلوگیر غنی	گر چکانی به لبم شیر نمک آب شود (همان: ۷۱)
گله از سختی زندگی:	
در شب زلف تو خواب خوش نصیبم کی شود	خار میروید ز پهلویم بسان شانه‌ها (همان: ۵)
در زندگی به خواب نبیند کسی غنی	آسایشی که دل ز پس مرگ دیده است (همان: ۴۰)

۲. توجه به معنی و مضمون و ساده‌گیری در زبان

شعر ہندی شعری معناگراست نہ صورتگرا، شاعران بہ معنی بیشتر توجہ دارند تا بہ زبان. کار شاعران سبک ہندی ترجمہء مطالب فلسفی، عرفانی و غنایی گذشتگان بہ بیان سبک ہندی بود کہ نہایتاً آن را علیرغم صورت مبہمش سادہ فہمتر و خلاصہتر میکرد یعنی متناسب درک و فہم طبقات عامہٴ مردم؛ کوشش شاعر سبک ہندی مضمون یابی و ارائہٴ خیال خاص در معنی برجستہ است؛ یعنی فکر جرئی اما تازہ و نگفتہ و بیان آن بہ صورتی اعجاب انگیز. (سبک شناسی شعر: ۲۸۹)

کسی آوارہ تا کی در دیار خویشتن باشد  
چو ریگ شیشہ ساعت مسافر در وطن باشد  
( غنی، ۱۳۶۲: ۹۴ )

گل کرد استخوان بہ تن از چشم داغہا  
مانم بہ کاغذی کہ ز نقش نگین پر است  
(همان: ۴۳)

در شب زلف تو خواب خوش نصیبم کی شود  
خار می روید ز پهلویم بسنان شانہہا  
(همان: ۵)

گردید راز عشق ز پوشیدن آشکار  
دندان بخیه پردہ ما را دریدہ است  
(همان: ۴۰)

بر لب خمیازہ کشم در خمار  
بخیه اگر هست خط ساغر است  
(همان: ۴۲)

چون آستین ہمیشہ جییم ز چین پر است  
یعنی دلم ز دست تو ای نازنین پر است  
(همان: ۴۳)

بہ جای بخیه زند بس کہ خندہ بر زخمم  
ہمیشہ سوزن بیرحم را دهن باز است  
(همان: ۴۳)

گر خامہ را ز کام برآید زبان چہ دور  
شد بحر شعر خشکتر از جدول کتاب  
(همان: ۳۵)

پیش لب یار کہ جان پرور است  
ہر کہ زند دم ز مسیحا خر است  
(همان: ۴۲)

### ۳. رواج حکمت و فرہنگ عامہ

استخوان خوردن ہما:

بہر صید ہمای ناوک او  
جوہر استخوان من دام است  
(همان: ۴۸)

پنبہ در گوش کردن:

حرف دنیا گوش کردن کار اہل ہوش نیست  
مغز سر فرزانه را چون پنبہہای گوش نیست  
(همان: ۴۴)

شکر آب شدن میان دو تن:

شد شکر آب ز شرم سخن شیرینم

گر میان من و طوطی شکر آبست به جاست  
(همان: ۴۴)

اصل گوهر از آب بودن:

آب بود معنی روشنی غنی

خوب اگر بسته شود گوهر است  
(همان: ۴۳)

روشن شدن آینه با خاکستر:

نفس من شده از سوختگی خاکستر

گر شود آینه روشن زدم من چه عجب  
(همان: ۱۸)

میپذیرد ز خموشی دل بی نور صفا

نفس سوخته خاکستر این آینه است  
(همان: ۵۰)

متاع را آفتاب دادن:

از شرم توبه در عرقم، کو شراب ناب

باید متاع تر شده را داد آفتاب  
(همان: ۳۴)

در حشر شد بر اهل گنه ابر رحمتی

انداختم چو دامن تر را به آفتاب  
(همان: ۳۴)

بی طمع نبودن سلام روستایی:

نماز پارسا بی‌مطلبی نیست

سلام او سلام روستایی است (همان: ۴۱)

سر تراشی با استره:

صدای استره اوست بس که شورانگیز

ز سر تراشی او پای می‌جهد از خواب  
(همان: ۳۷)

بخواب رفتن پا:

این نقش پای نیست که افتاد بر زمین

پای سلوک ماست که در خواب رفته است  
(همان: ۴۶)

آینه در نمد نهادن:

معنی صاف که در قالب الفاظ بد است

هست آینه صافی که نهان در نمد است  
(همان: ۴۶)

گر ز دم سردی این تیره دلان آگه نیست

از چه رو جامه آینه قبای نمد است  
(همان: ۴۶)

۴. واقعه‌گویی و واسوخت



شاعرانی چون بابا فغانی شیرازی و شرف جهان قزینی در غزل به توصیف عواطف و احساسات واقعی خود در کشاکش رویدادهای عاشقانه عادی میپرداختند و گاه آن را با گله و شکایت همراه میکردند. افراط در واقعه‌گویی موجب پیدا شدن «واسوخت» گردید که در آن عاشق عکس العمل قهر و عتاب خود را در مقابل ناسپاسی و قدر ناشناسی معشوق نشان میدهد.

چنان آن نازنین نازک دماغ است      که او را بوی گل دود چراغ است  
(دیوان غنی: ۵۲)

مردهام از حسرت آغوش او      جان من امروز که را در بر است  
(همان: ۴۲)

بعد مرگم گر خورد افسوس آن سرکش چه سود      میگذرد انگشت شمع از ماتم پروانه‌ها  
(همان: ۵)

از مرگ خودم شاد که آن زلف سیه پوش      گردید پریشان زغم و خاک نشین است  
(همان: ۴۲)

قید از عشاق و از معشوق آزادی خوش است      صرف دام بلبلان کن رشته گلدسته را  
(همان: ۸)

### ویژگیهای ادبی

۱. مضمونسازی و توجه به مضامین غریب و جستجوی معانی بیگانه (از طریق تشخیص، حس آمیزی، متناقض نمایی و...)

بسیاری از منتقدین سبک هندی (حسینی، ۱۳۶۷: ۱۶؛ شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۹۲؛ زرین کوب، ۱۳۸۴: ۱۳۹؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۷۱: ۱۷؛ فتوحی، ۱۳۸۵: ۵۲) ادعان داشته‌اند که تلاش مستمر در یافتن مضمون نو و ابداع تصاویر خیالی بیسابقه در نزد عوام، شاعران سبک هندی را در خط خیال‌بندیها و مضمونپردازیهای عام پسند و پریشان‌گویی و ابتدال کشاند. محور تمام فعالیت‌های شاعران سبک هندی یافتن مضمونی تازه است. به همین علت از نظر غنی و دیگر شاعران سبک هندی تمام مظاهر جهان هستی به عنوان ابزاری جهت یافتن مضمونی نو نمود پیدا میکنند.

ناقدان سخن فارسی در هند او را به نازکی خیال و توانایی بسیار در بیان معنیهای دقیق و مضمونهای باریک ستوده و از راه مقابله نوشته‌اند که «طرز کلامش حلاوتی و بهار اشعار طراوتی دارد که زبان قلم و قلم زبان در بیان آن لال است». (تاریخ ادبیات ایران: ۴۳۸)

مضمون آفرینی، به جستجوی مضامین بکر و ناگفته و ناشناخته رفتن، در شعر غنی چنان رواج می‌یابد که گاه کار به ابتدال میکشد:

تار نگهم رشته گوهر شده از اشک  
این دیده تمنای بناگوش ندارد  
(دیوان غنی: ۷۹)

رهد کی در حصار خود ز دزدان معنی روشن  
کجا مهر کلف محفوظ دارد خرمن مه را  
(همان: ۶)

در شعر غنی، گاه مضامین نابی مشاهده میشود که به نظر میرسد از ابداعات خود غنی بوده است.  
بس که همچون آسیا مینالم از بیداد خویش  
میکشم در گوش خود انگشت از فریاد خویش  
(همان: ۱۲۱)

کمان پیش دو ابرویش به دعوی رفت و از خجلت  
تهی کرد آن چنان قالب که آوردند بر دوشش  
(همان: ۱۲۲)

به هم شیر و شکر آمیزی دارد نمیدانم  
که ره چون نیست در چشم سفیدم خواب شیرین را  
(غنی، ۱۳۶۲: ۱۲)

#### ۱-۱. حس‌آمیزی

منظور از حس‌آمیزی، بیان و تعبیری است که حاصل آن از آمیخته شدن دو حس یا چند حس به یکدیگر یا جانشینی آنها خبر میدهد (صورخیال در شعر فارسی: ۴۱). در شعر فارسی نمونه‌های حس‌آمیزی فراوان است و در ادبیات دوره‌های مختلف بسامد استفاده از آن متفاوت است. در دوره‌های نخستین بسیار کم و بندرت میتوان یافت و در شعر بعد از مغول افزایش می‌یابد و در شعر سبک هندی بسامد آن بالا میرود. در شعر غنی نیز حس‌آمیزی بسامد چشمگیری دارد:

نگیرد در حلاوت قند جای نغمه شیرین  
که نی ترک شکر کرد از برای نغمه شیرین  
(همان: ۱۵۵)

#### ۱-۲ تشخیص یا انسان‌نمایی

تشخیص از ویژگی‌های عمومی سبک هندی است که البته در شعر غنی از بسامد نسبتاً بالایی برخوردار است.

چو میل سرمه برآمد ز چشم جانان گفت  
که سیمر می‌کده شوید غبار خاطره  
(غنی، ۱۳۶۲: ۹)

سایه میگوید به گوش نقش پا درهر قدم  
هیچکس دستی نگیرد بر زمین افتاده را  
(همان: ۱۹)

دست که گیرنده نیست بهر سخی خنجریست  
پنجه مرجان کند در جگر بحر، خون  
(همان: ۸۶)

۱-۳. متناقض‌نمایی<sup>۱</sup> یا تصویرهای پارادوکسی<sup>۲</sup>

«منظور از تصویر پارادوکسی، تصویری است که دو روی ترکیب آن، به لحاظ مفهوم، یکدیگر را نقض میکنند (صورخیال در شعرفارسی: ۵۴)

متناقض‌نمایی ویژگی زبانی است که شاعر، گاه در بیان‌ناپذیری تصور و اندیشه خود دچار آن میشود. در حقیقت شیوه‌ای است برای گریز شاعر از تنگنای زبان و بیان. چیزی است «خلاف آمد عادت» (حسینی، ۱۳۷۵: ۵۷) در دیوان غنی متناقض‌نمایی ناشی از بحث‌های عرفانی-تجربی و هم متناقض‌نمایی ناشی از مضمونیابی مشهود است.  
غنی میسراید:

شوم عریان تن و در جامه از شادی نمیگنجم	اگر یک شب دهد آن ماه پیکر تن در آغوشم
اگر شهوت هوس داری اسیر دام عزت شو	که در پرواز دارد گوشه‌گیری نام عنقا را
به گوشم ایــــن صدا از مقری تسبیح می‌آید	که صد دل مضطرب گردد چو یک دل یابد آرامی

(غنی، ۱۳۶۲: ۱۳۰)  
(همان: ۱)  
(همان: ۱۶۳)

۲. آوردن تشبیهات، استعارات و کنایات دور از ذهن

شاعر سبک هندی میکوشد با استعمال تشبیهات و استعارات غریب و دیگر صور خیالی، خواننده و شنونده را دچار حیرت کند. شعر سبک هندی از این جهت شباهت زیادی به اشعار «مارینیست»های ایتالیایی دارد؛ آنان نیز زبان استعاری در شعر بکار می‌برند اما نه برای اینکه حقیقتی را در زیر آن پنهان کرده باشند، بلکه چیزهایی کاملاً دور از هم و حتی متضاد را با هم می‌آمیزند چرا که آنان هدف شعر را به حیرت انداختن میدانند.

صور خیال شعر غنی متأثر از سبک هندی است به عبارتی تشبیه، استعاره، تشخیص و اغراق کنایه در شمار مهمترین عناصر خیال ساز شعر کلماتی چون حباب، شبنم، ریگ روان، آینه، سپند، آبله و... از مشبه به‌های رایج سبک هندی هستند که در شعر غنی به وفور دیده میشود:

ز شوق گوشه دستار او از بس که بیتاب است	پرد مانند شبنم هر نفس چشم هوس گل را
کاروان عمر دارد بس که در رفتن شتاب	همچو ریگ شیشه ساعت دو منزل میرود
به رنگ آبله پای در سفر ما را	ز شوق صبح وطن چشم تر سفید شده است

(همان: ۲۴)  
(همان: ۹۲)  
(همان: ۴۹)

<sup>۱</sup> . Oxymoron

<sup>۲</sup> . Paradox

غالب کنایات بکار رفته در دیوان غنی از فرهنگ مردم و زبان عامیانه روزگارش نشأت گرفته است مثلاً:

رنگ ریختن کنایه از بنا کردن:

چشم ما روشن شد از خاک در میخانه‌ها ریختند از سرمه گویا رنگ این کاشانه‌ها  
(همان: ۵)

میکنند پهلو تهی از بینوایان آسمان در بغل هرگز نگیرد تیر بی‌پر را کمان  
(همان: ۱۴۸)

گل کردن کنایه از خوب جلوه کردن، بسیار نیکو از انجام کاری بر آمدن  
کرد گل سوز درونم چو سپند آخر کار گشت فریاد بلندی نفس سوخته‌ام  
(همان: ۱۴۱)

یکی از عناصر اساسی در غزلیات غنی که نقش فعالی در مضمون‌سازی اشعار او دارد تلمیح به داستانها و شخصیت‌های مذهبی، تاریخی، عرفانی: عیسی مسیح، حضرت یعقوب، یوسف و زلیخا، فرهاد و شیرین، خضر نبی، جمشید و... است. از جمله این تلمیحات رایج میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

غنی روز سیاه پیر کنعان را تماشا کن که نور دیده‌اش روشن کند چشم زلیخارا  
(همان: ۱)

خارا ز سخت جانی فرهاد ساخت رو بر سنگ خاره صورت شیرین بهانه‌ایست  
(همان: ۱۴۹)

دم جانبخش او تا رنگ حیرت ریخت در عالم ز مهر آینه در پیش نفس دیدم مسیحا را  
(همان: ۲)

نه دار آخرت نی دار دنیا در نظر دارم ز عشقت کار چون منصور با دار دگر دارم  
(همان: ۱۲۸)

۳. استفاده از بحور طولانی عروضی و تکرار قافیه

تکرار قافیه، آوردن یک قافیه به دفعات متعدد در یک شعر است. قدما برای تکرار قافیه حدودی تعیین کرده بودند، تکرار قافیه را در غزل بیش از یک بار جایز نمیدانستند و در قصیده عقیده داشتند که باید بین قوافی مکرر حداقل هفت بیت فاصله باشد. تکرار قافیه بیشتر در آثار شاعران سبک هندی دیده میشود، زیرا آنان از طرفی به لفظ بی اعتنا بودند و از طرف دیگر هر بیت را استقلالی مینهادند. (شبک‌شناسی شعر: ۱۲۴)

توجه به ردیفهای طولانی در ابیات غنی نیز مشاهده میشود.

بخت سیاه ماست که در خواب رفته است  
از چشم ما چون چشم گهر خواب رفته است  
پای سلوک ماست که در خواب رفته است  
کز چشم من به گرد سفر خواب رفته است  
(دیوان غنی: ۴۶)

دامن بر آتش دل عشاق میزند  
(دیوان غنی: ۱۰۴)  
در چشم خویش میل زخجلت کشیده است  
(همان: ۴۰)  
که چشم آبله پا پر آب میبینیم  
(همان: ۱۴۲)  
بود این معنی از تاریکی پای قلم پیدا  
(همان: ۱۳)  
به تار پیره‌ن دوزید چاک سینه او را  
(همان: ۳)

نی چشم مست او به شکر خواب رفته است  
تا دیده‌ایم صبح بناگوش یار را  
این نقش پای نیست که افتاد بر زمین  
چون آسیا مپرس ز آسایش غنی

۴. نازک اندیشی و نکته سنجی و دقت در جزئیات  
غنی میسراید:

هر طائری که بال فشان میرسد ز شوق  
تا سرمه‌دان سیاهی چشم تو دیده است  
مگر ز خار مغیلان تغافل دیده است  
قلم باشد بجای شمع بزم اهل معنی را  
غنی تا چند باشد سینه چاک از دست عربانی

#### ۵. پیچیدگی و ابهام در کلام

زبان شعر سبک هندی که البته غنی هم از این دایره بیرون نیست از لحاظ ساختار جملات کمابیش آشفته است و کلمات گاه چنان جایجا میشوند که بدین ترتیب دریافت ارتباط اجزای جمله سخت میشود. بعضی از ابیات غنی از این نظر دچار ابهامی اندک و گاه بسیار است. علاوه بر علل درونی مذکور عوامل بیرونی دیگر که وابسته به رسم الخط شعر غنی بوده از قبیل اختلاف طرز نگارش و قطع و وصل کلمات، نبود علائم سجاوندی، نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری، رعایت نکردن بعضی ظرایف نوشتاری سبب ساز مشکلات قرائت شعر و گاه بدخوانی و بدفهمی بعضی از ابیات غنی شده است.

#### ۶. غالب قالب شعری غنی

قالب مسلط شعر غنی به تبع دیگر شاعران سبک هندی در درجه اول غزل و سپس تک بیت است البته رباعی، قطعه، مثنوی کوتاه نیز در دیوان اشعارش دیده میشود. بررسی نسخ متعدد از دیوان غنی حاکی این واقعیت است که او نیز به پیروی از هندیانه سرایان همعصرش تک بیتی مناسب حال میسازد و سپس آن را در غزلی که مناسب آن بیت باشد قرار

میدهد این امر سبب شده تا شمارهٔ ابیات در برخی از غزلیاتش در نوسان باشد؛ فی المثل غزلی در یک نسخه هشت بیت دارد و برای همان غزل در نسخهٔ دیگر شش بیت ضبط شده است و دو بیت باقیمانده به طور پراکنده در غزلیات دیگر او بعضاً با فاصله بسیار نقل میشود.

در قریب به اتفاق غزلیات وی محور عمودی کلام چندان مشهود نیست؛ ابیات کاملاً مستقلند. غالب تک بیتیهایی او جنبهٔ ارسال المثلی دارد.

میفرستد به پدر پیرهــن خالی را یوسف از دولت حسن این همه خود را گم کرد  
(همان: ۱۰۹)

۷. استفاده فراوان از تمثیل و ارسال مثل و اسلوب معادله

شاعران سبک هندی برای توجیه ادعاهای عجیب غریب خود از تمثیلاتی استفاده میکنند که غالباً بر گرفته از محیط اطراف طرز استدلال و مردم کوچه بازار و حکمت عامه است مفاهیم مجرد و انتزاعی را بصورت محسوس به خواننده عرضه میکنند در نتیجه در شعر به کمک او میشتابد.

آدم خاکی زخامی دارد از می اجتناب کوزهٔ گل، پخته چون گردد نمیرسد ز آب  
(غنی، ۱۳۶۲: ۳۵)

نیک و بد را امتیازی نیست در بازار دهر میشود در هر ترازو، سنگ با گوهر طرف  
در شعر غنی تمثیلات فراوانی بکار رفته است. او همواره در اندیشهٔ پیوند عالم مجردات به عالم محسوسات است و شعر او پیوند تنگاتنگی با واقیتهای موجود در متن زندگی دارد.

ابیات ذیل شاهد موثقی بر این مدعاست:

هر که پابند وطن شد میکشد آزارها پای گل اندرچمن دائم پرست از خارها  
(همان: ۱۵)

بر تواضعهای دشمن تکیه کردن ابله‌یست پایبوس سیل از پا افکند دیوار را  
(همان: ۴)

۸. بکاربردن اصطلاحات سبک‌شناسی

یک موضوع مهم در شعر و تذکره‌های این دوره مخصوصاً در شعر صائب و فور اصطلاحات سبک‌شناسی و نقد ادبی چون: معنی بیگانه، مضمون رنگین، معنی برجسته، معنی غیر، مضمون بستن، طرز خیال، طرز تازه، رنگین فکر، معنی برجسته، مصرع بلند، زمین غزل و... است چنین ترکیباتی با بسامد بالا به تاثر از سبک هندی به چشم میخورد (سبک‌شناسی شعر: ۲۹۱)

غنی میسراید:

طبع آن شاعر که شد با طرز دزدی آشنا معنی بیگانه داند معنی بیگانه را  
(دیوان غنی: ۱۳)

به بزم نکته سنجان سرخ رویی از سخن دارم پرد رنگم اگر دزدی برد مضمون رنگینم  
(همان: ۱۳۵)

اگر لب از سخن گویی فرو بندیم جا دارد  
که نبود از نزاکت تاب بستن معنی ما را  
(همان: ۲)

از بس که شعر گفتن شد مبتذل درین عهد  
لب بستن است اکنون مضمون تازه بستن  
(همان: ۱۵۷)

#### ۹. پست و بلند شعر غنی

شعر اگر اعجاز باشد بی بلند و پست نیست  
در ید بیضا همه انگشتهای یک دست نیست  
(همان: ۴۵)

پی بردن به دیدگاه غنی در مورد فن شاعری لزوم تلمذ در محضر استادان فن و شاعران شهیر ادبیات و یکسان نبودن اشعار از خلال ابیاتش به سهولت امکان پذیر است.

بهر خدمت پیش ارباب سخن آماه باش  
نقش خود را چون قلم بنشان و خود استاده باش  
(همان: ۱۱۹)

غزل ذیل نمونه‌ای از جمله غزلیات پر مغز و بلند غنی است از فراز اشعار او گزینش شده و نشانگر ذهن خلاق و اندیشه عرفانی و فلسفی اوست:

جنونی کو که از قیـد خرد بیرون کشم پا را  
کنم زنجیرپای خویشتن دامان صحرا را  
به بزم می‌پرستان محتسب خوش عزتی دارد  
که چون آید به مجلس شیشه خالی میکند جا را  
اگر شهرت هوس داری اسیر دام عزلت شو  
که در پرواز دارد گوشه‌گیری نام عنقا را  
به بزم می‌پرستان سرکشی بر طاق نه زاهد  
که میریزند مستان بی‌محبا خون مینا را  
شکست از هر در و دیوار میبارد مگر گردون  
ز رنگ چهره ما ریخت رنگ خانه ما را  
ندارد ره به گردون روح تا باشد نفس در تن  
رسایی نیست در پرواز مرغ رشته در پا را  
غنی روز سیاه پیر کنعان را تماشا کن  
که روشن کرد نور دیده‌اش چشم زلیخا را  
(همان: ۱)

#### نتیجه

سبک بیان غنی در سروده‌هایش کاملاً مطابق با خصیصه‌های بارز سبک هندی است. شعر او نیز به تبع سایر شاعران سبک هندی شعر مضمون است نه موضوع؛ مضامین اعجاب انگیز این شاعر درویش مسلک مدح گریز در غزلیات و تک بیتیهایی ناب و بکرش آشکار میشود. مضامین بدیع، خیال انگیز و باریک او که در زمینه اخلاق، تصوف، فقر و ماورائیت است؛ گاه آمیخته به تعقید و ابهام است. دیوان اشعار او سراسر مشحون است از نازک‌بندیها، تعبیرات و اصطلاحات و ترکیبات ویژه و ارسال المثل‌های ناب. او شاعری مستند و مسلّم است از این روی عدّه‌کثیری از سخنوران به تضمین اشعار او پرداخته‌اند. انواع زیورهای لفظی و معنوی با بسامدهای گوناگون چاشنی سخنش شده و بر حلاوت معانی و لطافت الفاظ وی افزوده است. دیدگاه او در مورد شاعری، ذمّ سرقت و تکرار و ضرورت تلمذ نزد استادان فن از اشعارش دریافت میشود.

#### منابع

#### کتابها:

۱. آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) [ویراست ۴]، تهران، میترا.
۲. تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر، براون، ادوارد (۱۳۱۶) ترجمه رشید یاسمین، تهران، روشنائی.
۳. تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸) تلخیص دکتر محمد ترابی (زیر نظر مولف)، جلد چهارم، تهران، فردوس.
۴. جناب آقای پرفسور ماکیارا، زریاب خویی، عباس (۱۳۶۳) تهران، انجمن فرهنگی ایتالیا.
۵. دیوان غنی کشمیری، غنی، محمد طاهر (۱۳۶۲)، گردآوری احمد کرمی، تهران، نشر ما.
۶. سبک شناسی شعر، شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) [ویرایش ۲]، تهران، میترا.
۷. شاعر آیین‌ها، شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۱) چاپ سوم، تهران، آگاه.
۸. صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶) چاپ سوم، تهران: نشر آگاه.
۹. گردباد شور جنون، شمس لنگرودی، محمد (۱۳۶۷) تهران، نشر چشمه، چاپ دیبا.
۱۰. مکتب وقوع در شعر فارسی، گلچین معانی، احمد، (۱۳۴۷) تهران، بنیاد.
۱۱. نقد ادبی در سبک هندی، فتوحی، محمود (۱۳۸۵) چاپ پنجم، تهران، زوار.
۱۲. نگانی، سدار (۱۳۵۴) ملا غنی کشمیری، نشریه ادبیات و زبانها؛ وحید، آبان، شماره ۱۸۵.. از ۷۸۰ تا ۷۸۲
- از ۸۵۴ تا ۸۵۴ لینک ثابت: <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/204671>
۱۳. نگاهی به صائب، دشتی، علی (۱۳۶۴) تهران، اساطیر.

#### مقالات

- ۱- نشریه ادبیات و زبانها، مقاله غنی کشمیری، محمد ظفرخان (۱۳۴۲)، شماره ۴۳، از صفحه ۴۱ تا ۴۵
- ۲- نشریه ادبیات و زبانها، مقاله ملا محمد طاهر غنی کشمیری، صابر آفاقی (۱۳۵۲)، شماره ۱۱۸، از ص ۵۱ تا ۴۵.